



دکتر مهدی واحدی

ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های خاصی در آن‌ها نهفته است. یک پهباد شناسایی، نه یک ابزار خنثا، بلکه «چشمی» است برای کشوری که آن را طراحی کرده تا بر دیگری تسلط یابد. اینجاست که باید پرسید: آیا می‌توانیم بگوییم چاقویی که برای جراحی ساخته شده، با چاقویی که برای تهدید طراحی شده، یکسان و بی‌طرف است؟ ذات و کاربرد به شدت درهم‌تنیده هستند.

الگوی استکبار: نمونه عینی رژیم اشغالگر اسرائیل

مصادق بارز این رابطه تنگاتنگ، رژیم غاصب و جانی صهیونیستی است. باند نامشروع صهیونیست خود را به عنوان «استارت‌آپ نیشن» و بر قدرت فناوری‌های امنیتی و رایانه‌ای معرفی می‌کند. اما این پیشرفت فناوریانه، در غیاب عدالت و اخلاق، به چه سمتی حرکت کرده است؟ این کشور با استفاده از پیشرفته‌ترین فناوری‌های نظارتی، پهبادهای جنگی، سامانه‌های هوشمند مرزبانی و جنگ رایانه‌ای، به شکلی سامانمند مردم فلسطین را تحت اشغال، محاصره و جدانژادی (آپارتاید) قرار داده است. فناوری به ابزار تشدید استکبار تبدیل شده است. دیوارهای الکترونیکی، پهبادهای گشتار جمعی، نرم‌افزارهای جاسوسی مانند پگاسوس برای کنترل جمعیت غیرنظامی و شناسایی چهره، همگی گواهی بر این مدعا هستند. اینجا دیگر نمی‌توان گفت «فناوری بد نیست، کاربر آن بد است». بلکه باید پذیرفت که این فناوری‌ها دقیقاً برای کاربری‌های استکباری و حفظ ساختاری ناعادلانه طراحی، بهینه‌سازی و تولید انبوه شده‌اند. این فناوری‌ها «قدرت» را برای یک طرف و «آسیب‌پذیری» را برای طرف دیگر به ارمغان می‌آورند و ذاتاً به سوی حفظ این از بین بردن تعادل گرایش دارند.

پیامدهای آموزشی: بازتعریف نقش معلم در عصر فناوری‌های ناعادلانه

این تحلیل برای ما جامعه آموزشی چه پیامی دارد؟ اگر بپذیریم که فناوری می‌تواند حامل ارزش‌های استکباری باشد، نقش ما معلمان از «کاربر منفعل» یا «مروج ساده‌انگارانه» فناوری، به «منتقد فعال» و «سوادمند اخلاقی» ارتقا می‌یابد. پس چند کار لازم است:

❖ ۱. ترویج سواد فناورانه انتقادی: سواد دیجیتال دانش‌آموزان نباید تنها به «چگونگی استفاده» محدود شود. باید به آنان بیاموزیم که از «چرایی» و «از سوی چه کسی» پرسش کنند. چه

فناوری در سایه استکبار جهانی

بازخوانی انتقادی بی‌طرفی فناوری

ما معلمان، مربیان و متخصصان فناوری آموزشی، همواره به «ابزار بودن» فناوری باوری عمیق داشته‌ایم. این ابرانگاره (پارادایم) غالب که «فناوری ذاتاً بی‌طرف است و این انسان‌ها هستند که آن را به خوبی یا بدی به کار می‌گیرند»، اساس بسیاری از برنامه‌های درسی و تربیتی ما را شکل داده است. اما آیا به راستی در جهانی که هر روز شاهد کاربردهای استکبارگرایانه پیشرفته‌ترین فناوری‌ها علیه مظلوم‌ترین ملت‌ها هستیم، می‌توانیم همچنان بر این باور ساده‌انگارانه پایبند بمانیم؟ این نوشتار قصد دارد با نگاهی انتقادی، این انگاره را به چالش بکشد و نسبت پیچیده میان فناوری و استکبار را واکاوی کند.

از ابزار تا بازتاب قدرت: شکستن افسانه بی‌طرفی

اتومبیل، به خودی خود، نه خوب است و نه بد. اما وقتی در ساختار ناعادلانه شهری، تنها عده‌ای خاص به آن دسترسی دارند، به ابزاری برای تثبیت نابرابری تبدیل می‌شود. فناوری‌های دیجیتال و به‌ویژه فناوری‌های نظامی-اطلاعاتی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. آنچه «بی‌طرفی» فناوری را به افسانه‌ای خطرناک تبدیل می‌کند، بستر سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی‌ای است که فناوری در آن متولد می‌شود و رشد می‌کند.

فناوری‌های پیشرفته محصول سرمایه‌گذاری کلان و تحقیقات ساختاریافته در کشورهای قدرتمند هستند. طبیعی است که این فناوری‌ها در درجه اول در خدمت منافع جغراسیاست (ژئوپلیتیک) و امنیت ملی همان کشورها قرار می‌گیرند. بنابراین، از همان مرحله طراحی،



آینده این خواهد بود که می‌خواهند سربازان یک نظام استکباری فناوریانه باشند، یا معماران جهانی عادلانه‌تر، که در آن فناوری در خدمت کرامت انسانی همه ملت‌ها، از جمله مظلومان فلسطین، یمن، لبنان و سوریه قرار گیرد. این رسالت آموزشی بزرگ‌ترین پاسخ ما به استکبار جهانی است.

استکباری تولید شده‌اند، ما را نیز در همان نظام وارد می‌کند. حمایت و توسعه فناوری‌های آموزشی بومی و متن‌باز که با ارزش‌های فرهنگی و عدالت خواهانه ما هم‌خوانی دارند، می‌تواند یک راهبرد مقاومتی باشد.

موضع ما در برابر فناوری نمی‌تواند سفید یا سیاه باشد. نمی‌توانیم فناوری را به کلی طرد کنیم، چرا که ظرفیت‌های عظیمی برای پیشبرد آموزش دارد. در عین حال،

نمی‌توانیم با چشمانی

بسته در برابر ذات استکباری

نهفته در بسیاری از انواع

آن تسلیم شویم. وظیفه

ما متولیان آموزش، عبور

از نگاه ساده‌انگارانه به

فناوری و اتخاذ رویکردی

نقادانه، فعال و اخلاق‌محور

است. به دانش‌آموزان

بیاموزیم که فناوری یک

«عطیه الهی» خنثا نیست،

بلکه یک «عامل قدرت»

است که می‌تواند هم برای

استعمار و هم برای آزادی

به کار رود. انتخاب ما و در

نهایت انتخاب نسل‌های

کسی این برنامه را ساخته؟ چه داده‌هایی را جمع‌آوری می‌کند و در اختیار چه نهادهای قدرتی قرار می‌دهد؟ این فناوری چه کسی را قدرتمند و چه کسی را ضعیف می‌کند؟

۲. بازخوانی تاریخ فناوری: در تدریس تاریخ علوم و فناوری، تنها به اختراعات درخشان بسنده نکنیم. باید به دانش‌آموزان نشان دهیم بسیاری از پیشرفت‌های فناوریانه (از جمله در هوش مصنوعی و رباتیک) ریشه در پروژه‌های نظامی و امنیتی داشته‌اند و این رابطه همچنان پررنگ است.

۳. محور قرار دادن اخلاق و انسان‌مداری: در انتخاب و معرفی ابزارهای آموزشی، به دنبال فناوری‌هایی باشیم که «توانمندسازی جمعی»، «شامل بودن» و «عدالت» را ترویج می‌کنند، نه آن‌هایی که به نظارت، انحصار و ایجاد شکاف دامن می‌زنند. باید پرورش شهروندانی مسئول، منتقد و عدالت‌خواه را در اولویت قرار دهیم، نه صرفاً مصرف‌کنندگانی ماهر برای محصولات شرکت‌های خاص را.

۴. جست‌وجوی الگوهای بومی و جایگزین: وابستگی مطلق به بسترها و نرم‌افزارهای جهانی که در همان بستر

